

در این صورت این اقامتگاه بنی صدر و ربیوی هانی الحسن صابر شخصی سازمان میاهدین خلق ملاقات کرد. بعد از این ملاقات، هانی الحسن گفت: "میدانم که برادر صمد ربیوی بتواند با یاسر عرفات ملاقات داشته باشد تا بتواند درباری اوضاع معانی به گفتگو بنشیند چرا که تمام سخن در ایران ادامه دارد ما باید بنیم ازجه طریق میزبان جنوی آنرا گرفت. از هانی الحسن سؤال شد که "میباشد نتش واسطه را ایضا کند"، جواب داد و نوشت: "سیاست سازمان آزاد فلسطین فلسطین در مورد ایران تغییر نکرده است" و ادامه داد: "ولی ما برای این که دست یازیم امتیاز نداریم که دشمن دیگران باشیم. ما با ایران هستیم و سازمان آزاد فلسطین فلسطین میخواهد به این کشور کمک کند".

در دوم سپتامبر ۸۱، ضمن اعلام ملاقات و نقل گفته های فوق الذکر هانی الحسن به عبارت دیگر و را نیز نقل میکند: "سازمان ما نمیتواند برادران میاهدین را که در کنار فلسطینی ما هستند، فراموش کند".

در سوم سپتامبر ۸۱، فیلیپ لاپرومترک نوشت: "در سده شانزدهم فلسطین تسخیر بیروت شد. آن روزی را بیاد دارند که خمینی قدرت را بدست گرفت. آنروز در همه مراسم جشن و شادمانی برپا بود و عرفات با عیله روی بالکنی ظاهر شد و به نشانهی شادمانی با تپانچه اش چند تیر مریخی شلیک کرد و سخن در شادی گفت. "ما پیروز شدیم" و چند روز بعد، اولین جمعیت خارجی بود که به ایران دعوت شد. آنوقت ماه عمل بین عرفات و خمینی بود و بعد از اولین گفتگو با ایشان اعلام کردند: "ما بیت المقدس را آزاد خواهیم کرد" ... سی ماه بعد از این دوستی ممتاز ویی رفیق چیزی باقی نمانده است. وخیم شدن روابط فلسطینی ها با ایران خمینی، بعد از سله پروتکتوری - که سازمان آزاد فلسطین آنرا تأیید نمیکرد - آغاز شد. خمینی به "ماه ویت حسن نیت" عرفات با این گفته: "خطره شما فلسطینی ها از آزادی جاسوسان آمریکا را میخواهید؟" جواب رد داد. کسی بعد ساک (سازمان آزاد - بیختر فلسطین) از قبضه کردن تدبیری قدرت توسط روحانیون پس چشم آمد.

کم کم، دوستان "ساف" کنار گذاشته شدند. بدتر از این، در یکی از ملاقاتهای عرفات، امام خمینی او را بخاطر وجود اعتقادات مختلف در "ساف" مورد سرزنش قرار داد و به او گفت: "قطعی یک مبارزه ضد دروغ اسلامی میباشد قدس را آزاد کند". فرد کسر مستحق بیان هانی الحسن مشاور بریت عرفات - به سفارت فلسطین در تهران پیشنهاد شد. رهبران فلسطین سر گفتوهای حسوسی خود - حسوسیت و دشمنی را در مقابل استقرار یک قدرت - همی در

ایران، بشمار میگذرد، با این آرزوی تند و بیستگانه بر اساس باورشان در حق جاولیوی کرد".

با اینهمه همان روز سوم سپتامبر، هانی از اشعار مذاکرات هانی الحسن و ربیوی، خبرگزاری فلسطین "وفا" این خبر را "بشدت تشکیب" کرد و "المنسرا" دروغ محض خواند.

روزنامه "لومانت" در سر مطلبی در نوشته: "در حالیکه سازمان آزاد فلسطین فلسطین در بیروت ملاقات هانی الحسن و ربیوی در "اورسرا" را تشکیب میکند، رادویی تهران مع اشاره ای به این ملاقات سازمان سرت با راسر میاهدین نمیکند. اطلاعاتی در "ساف" در مورد تشکیب ملاقات مشاور یاسر عرفات با صمد ربیوی در بیروت در زمانی منتشر میشود که مصححات بیروت فلسطین سخن آنها را در کتاب هم چاپ میکند (در همین شماره ای "لومانت" این سخن چاپ شده که در آن علاوه بر ربیوی، هانی الحسن، یکی از رهبران نگاران خبرگزاری فرانسه نیز دیده میشود). اطلاعاتی "ساف" نهایتاً سرگشتگی رهبران فلسطینی در مورد باسریون متحد ساری خوبی است. هانی از سخنوران "ساف" گفت: "اضحیات زبان باری که به هانی الحسن نسبت داده شده، تأیید ساختنی - اند" و اضافه کرد: "مشاور عرفات از چند سال پیش جهت مخالف، در زمانی بعد میرد

بعد "ساف" اصل موضوع یعنی ملاقات هانی الحسن و ربیوی را پذیرفت و کاسه کوزه ها را بر هانی الحسن شکست و او را بنام این "خطا" به بیروت "اسرار" کرد.

در بیروت "ساف" اعلام کرد که هانی - الحسن (از نزدیکان یاسر عرفات که اخیراً در اورسرا - او را "ساف" میخواندند) بنا به گزارش خبرگزاری "وفا" هانی الحسن که از هوسی بیطرفی استفاده میکند، کمی دایر بر مذاکره و یافتن راهی است. خبرگزاری اضافه میکند که تماسی که او برقرار کرد بنا به "ابتکار شخصی" بوده است.

فهرده ای ...

پس سخن بر سر بودن یا نبودن رژیم پهلوی نیست. و اینها ما نیز میدانیم که پیش شرط مسر حرکت از ابتدا این نیست، سخن بر سر داشتن یا نداشتن مینست مستقل چپ در هر حرکت جنبشهای است. "شورای متحد چپ" قائل بر وجود این صورت نیست. معتقد است که در چپ هیچ ضد فاشیستی اساساً سزومنی مطرح نیست. سزومنی با همه است. یا هیچکس نیست. ما معتقدیم که اساس سزومنی اتلاف نیست، چش انداز است. چشم انداز و در آینده های دور است. و اگر این بخواهد نفی شود اساس چپ بودن نمی باشد چه چپ بودن آری نه نیست. اگر حرکت اجتنابی یک عنصر چپ همواره منطبق بر حرکت غیر چپ ما باشد، در چپ بودن چه فایده ای است بجز نارضایتی خدا؟

ادامه دارد

ملت اخراج وی عدم مقاومت از آتش زدن اتومبوس
 ذکر شده است. مردمان حلقه به کوشش و زورم چنانچه
 بتکار در پاسخ اعتراض او در حال بر آید که در صورت
 عدم ترک اتومبوس به خود او نیز آسیب صریح
 گشتند. خودت هم باید بر آتش بمبوستن و رضوانی
 مدیر عامل شرکت واحد چندی قبل گفته است.
 برای رانندگانی که نسبت به حفظ وسیله
 نقلیه خود تقصیر میروزند چنانچه (مقصود
 این فاعلمت بیمه و اجازتنامه است)
 از اخراج تا تحویل به دادگاه انقلاب
 در نظر گرفته شده است.
 (جمهوری اسلامی ۲۱ شهریور ۶۰)

یکی از کارگران دستگیر شدهی ساختمان کسبه
 بسه ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، توسط چنانچه
 بتکاران رژیم جمهوری اسلامی تیر باران شده است.

مشهد

اطلاعاتی در مورد کارخانه ی لسوله و پروفیل
 طوس مشهد:

پس از دو سال متوازی بودن حاجی آهنچی
 صاحب کارخانه ی لسوله و پروفیل طوس مشهد، رژیم
 سرمایه داری جمهوری اسلامی با وی در انگلیس
 تماس گرفته و حاجی آهنچی را دعوت به بازگشت
 مینماید. چندی پیش حاجی آهنچی از کارخانه ی
 واقع در جاده ی مشهد- تربت حیدریه، بازدید
 میکند.

مواد اولیه ی کارخانه ک ورق میباشد از
 ژاپن وارد میگردد البته به قیمت بالاتر از
 قیمت بازار چرا که انحصار وارد کردن ورق به
 دست حاجی آهنچی بوده و نامبرده از کمپانی در
 ژاپن خواسته است که ورق به ایران فرستاده نشود.
 معینا ژاپنی ها با قیمت گرانتر ورق
 را به ایران میفرستند و آنهم نه از راه آسی
 جنوب بلکه از طریق خشکی. که این امر نیز
 باعث گرانتر شدن مواد اولیه میشود. به علاوه
 شهری نیز مبلغ زیادی بمنوان سرانژیمت
 میگردد و اجازه میدهد که ورق از خاک شهری
 گذشته و در جلقا تحویل ایران گردد.

فعلا اداره ی کارخانه بدست مستوفیان مشهد
 است که شخص بنام داودی که رئیس بنیاد
 نیز هست، در شورای فرهنگی کارخانه نیز حضور
 دارد. شوا مشکلی از نفر است. یک نفر مدیر
 کارخانه به نمایندگی از طرف کارمندان (که
 مدیر نیز از طرف بنیاد منصوب شده است) و یک
 نفر نماینده ی کارگران و یک نفر نماینده ی کارخانه.
 کارگران از نماینده خود که است دست است
 راضی نیستند و منتظرند دوره ی جدید انتخابات
 فرا رسد تا شخص دیگری را انتخاب کنند.

